



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.

۲۰۲۲/۰۱/۰۸

احسان لمر

نهضت امانیه و ارتجاع سیاه (2)

نهضت امانیه و شخصیت «شاه امان الله آفتابی است که با دو انگشت نه بلکه با هزار انگشت هم پنهان نمیشود!» بگذار دشمن وطن چه خارجی و چه داخلی، چه سیاه ترین تحجر وطن فروش، چه امتیاز و مستمری باخته های دوره امانی یکی به دنبال دیگر از دیروز تا امروز پرده سیاه اندیشه شان را روی این دوره بکشند و به آن تعرض و توهین نمایند.

«انگلیس ها در کابل از حبیب الله کلکانی تا آوردن زمامدار مورد نظر شان برای یک دوره انتقالی استفاده می کردند. هم کمشنر عمومی انگلیس ها در پشاور و هم سفیر انگلیس در کابل معتقد بودند که سلطه او بر کابل دیری دوام نخواهند کرد. و او نمی تواند مقام پادشاهی تمام افغانستان را کسب کند.»

تلگرام شماره 79 مورخ 23 جنوری 1929 کمشنر عمومی ایلات سرحدی شمال غربی¹

اولسن در رساله اش می نویسد: «پیروزی نادر خان در جنگ داخلی و انتخاب او بحیث پادشاه نه تنها نتیجه مبارزه داخلی برای قدرت بود، بلکه هم چنان هرگاه مستقیماً نبوده باشد بدون شک بصورت غیر مستقیم مرهون موضعگیری مناسب بریتانیا مبنی بر اینکه نادر خان پادشاهی کابل نسبت به امان الله به منافع بریتانیه بهتر خدمت می کند بود.»²

هنری برادرش افغانستان شناس و ژورنالیست که بیش از سه دهه به امور افغانستان سرو کار داشت می نویسد:

«در اثر بروز حوادث نفوذ بریتانیه بار دیگر در افغانستان استقرار یافت. دوره زمامداری ناشی از هرج و مرج حبیب الله بتاریخ 13 اکتبر 1929 ذریعه قوای که در راس آن پنج برادر از فامیل شاهی افغان قرار داشتند، خاتمه پذیرفت و زمام امور مملکت را برادر بزرگتر یعنی محمد نادر شاه بدست گرفت و بدین ترتیب سیر نفوذ روسیه در افغانستان منقرض گردید.»³

شادروان میر غلام محمد غبار 54 سال قبل (1967) در کتاب افغانستان در مسیر تاریخ چنین خردمندانه تحلیل و پیشگویی نموده بود:

« انقراض سلطنت شاه امان الله خان با استقرار حکومت اغتشاشی بچه سقا توام بود، و این واقعه در افغانستان به حیث یک «فاجعه تاریخی» تلقی گردید، مخصوصاً در بین طبقه روشنفکر، زیرا این ها از بازی های که در افغانستان واقع شده بود پیش بینی می کردند که

➤ با انهدام دولت امانیه و انهدام تحولات اجتماعی پلان یک تخریبات و ویرانی مداوم در پیش است.

1 - داکتر عبدالرحمن زمانی - سپه سالار نادر خان بهترین کاندید انگلیس برای تاج و تخت بود - سایت افغان جرمن آنلاين اول جنوری 2022
http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/zamani_naderkhan_behreen_kandede_engleesha.pdf

2 - اولسن ص 165

3 - هنری برادرش - افغانستان تجاوز شوروی و مقاومت مجاهدین - ترجمه شورای ثقافتی جهاد نشرات میوند 1378 ص 9

- متحمل است که استبداد داخلی و استعمار خارجی افغانستان را برای مدت طولانی واژگونه نگه دارد.
- پس البته در کشور ریشه وطن پرستان مبارز از بیخ و کشیده خواهد شد،
- فقر عمومی آغاز خواهد گردید.
- وحدت ملی افغانستان به واسطه تولید نفاق عمومی بنام پشتون و تاجیک و هزاره و ازبک، سنی و شیعه و امثال آن برهم خواهد خورد.
- بلاخره فضای دیگر و قشر دیگر ایجاد خواهد گردید که با منافع و مصالح مردم افغانستان ارتباطی نداشته و به ساز دیگران خواهند رقصید»⁴

با تسلط نادر خان و برادران در کشور در قدم نخست با حذف نام و کارنامه های طرزی و امان الله خان پرداختند و همزمان با بربریت و دهشت تمام به همه دوستداران و علاقه مندان آن دوره حمله ور شدند. اعدام و زنجیر و زولانه و انواع فشار های اقتصادی و روحی و روانی را بر ایشان و فامیل های شان تحمیل نموده، در حالی که مخالفین و درباریان خائن آن دوره به شمول روحانیت تذکر یافته قبلی از بهترین امتیازات مصئونیت و القاب برخوردار شدند.

دربار خانواده نادر خان هم مانند گذشته مملو از جواسیس انگلیس مانند الله نواز ملتانی - ظفر حسین - قربان حسین گادی وان (بنام مستعار شاه جی) - مولوی جمال الدین - ذوالفقار (مستشار سفارت لندن، مشاور صدارت، معین وزارت خارجه و سفیر جاپان) - مولوی نجف علی، به شمول پیر کرم شاه مولوی مسجد پل خشتی (لارنس) و غیره بود.

پس از کودتا سرطان 1352 حلقه رهبری شاخه گویا جوانان مسلمان به پاکستان فرار نمودند و تحت حمایت رژیم و استخبارات آن کشور قرار گرفتند که ما دست باز مداخله آنها را در کشور با تحریکات شان ملاحظه نمودیم.

محقق امریکایی سلیک هرپسن می نویسد: «بنیاد گرایان که تعداد شان تقریباً به یک هزار و پنج صد نفر بالغ می گردید، با وجود فشار نهایت شدید دولت توانستند که تا سال 1973 بحیث یک سازمان زیر زمینی فعالیت خویش ادامه دهند، بعد از سال 1973 (کودتا 1352) اکثریت آنها به پاکستان فرار کردند...»⁵

دیاگو کوردویز نماینده خاص سر منشی ملل متحد در مذاکرات ژنیو، نوشت که علی بوتو صدراعظم وقت پاکستان در 15 دسامبر 1974 در اسلام آباد بمن گفت: "دو نفر می توانند در عین بازی بپردازند، همان طوری که آنها نقاط ضعیف ما را یافته اند ما میدانیم ما میدانیم که نقاط ضعیف آنها کدام است. مردم غیر پشتون در افغانستان از سلطه پشتونها نفرت دارند. با این اساس ما راههای داریم که با استفاده از ان می توانیم داود را قانع بسازیم که به مشکلات ما نیافزاید"

دیری نگذشت که دسته های ناراضیان افغانی که از طرف آی اس آی تربیه شده بودند (احمد شاه مسعود) تحت رهنمایی جمعیت اسلامی در وادی تاجیک نشین پنجشیر بر مراکز امنیتی داود حمله کردند. جمعیت اسلامی و یک گروه دیگر بنیاد گرا یعنی حزب اسلامی که آن هم در سال 1974 از طرف مقامات پاکستانی تنظیم گردید بعداً در زمان مقاومت در مقابل کمونیزم قسمت اعظم کمک های امریکا را از طریق پاکستان بدست می آورد.»⁶

با کودتا ثور 1357 عینیت و علنیت این مداخلات آشکار تر گردید چنانچه در تمامی مطبوعات و کنفرانس های حلقه های ساخته و اله دست پاکستان (تنظیم های هفت گانه) به شدت علیه نهضت امانیه و شخص امان الله خان تبلیغ و

⁴ - غلام محمد غبار - افغانستان در مسیر تاریخ - جلد اول طبع مطبوعه دولتی ص 835

⁵ - دیاگو کوردویز و سلیک هرپسن - حقایق پشت پرده تهاجم اتحاد شوروی بر افغانستان - ترجمه عبدالجبار ثابت طبع ثور 1996 پشاور ص 124

⁶ - همانجا و همان صفحه

تخریب صورت گرفت، حتی گماشتگان شان در غرب همانگونه هیاهو برآه انداخته بودند که تا کنون دوام دارد، هیچ یک تنظیمی نبود که خصمانه و مخربانه بر علیه محمود طرزی و نهضت بیدار امانیه نه تازند. اکنون بقایای محمدزانی های امتیاز و مستمری باخته های دوره امانی هم با تنظیم های ساخت پاکستان (آی آس آی) تحت اداره (اس. آی. اس (SIS) یا ام. آی. ۶ بریتانیا - سی آی ای و عربستان) همه هم صدا شده اند.

آنچه در تنظیم های وابسته به استخبارات پاکستان بشکل همگون به ملاحظه میرسد همه از حبیب الله کلکانی به عنوان «خادم دین رسول الله» توصیف و تعریف نموده کتب و رساله ها در مورد نوشتند. استاد خلیل الله خلیلی در دسامبر 1983 که در نیوجرسی امریکا بود نامه قاضی محمد افضل خان قاضی القضاة سابق پاکستان را دریافت که به اسلام آباد دعوت شده بود زیرا قاضی محمد افضل در نامه برایش نوشته بود:

«رسماً وظیفه دارم تا از طرف رئیس جمهور پاکستان، ضیاءالحق به شما ابلاغ کنم که شما بحیث مشاور فرهنگی رئیس جمهور در امور فرهنگی مهاجرین افغانی مقرر شدید.»⁷

و قرار بود در دفتر ریاست جمهوری برایش اطاق کار و موتر بدهند که استاد قبول نکرد و در ناظم آباد رود دفتر و معاش برایش مقرر شد که در آنجا در پهلوی نوشتن اشعار شان کتاب «عیاری از خراسان» را در تعریف و تمجید اغراق آمیز حبیب الله کلکانی و مذمت و بد گوئی امان الله خان و نادر خان نوشت.

استاد در ادامه گفته بود: «ضیاءالحق از شخصیت هایی است که بقای پاکستان حتی بقای مسلمانان تمام این منطقه را، یعنی ایران را هم، به آزادی افغانستان مربوط می داند. در تاریخ هزار ساله نیم قاره هیچ اثر قلم یا نقش قدم نیست که افغانستان در آن سهم نداشته باشد، یعنی همیشه داشته، از محمود غزنوی تا ضیاءالحق در جنگ در صلح، در کتاب، در اندیشه، در تصوف، در محراب، در مدرسه، و در خانقا این اشتراک موجود است.»⁸

البته نباید فراموش نمود که همین ضیاءالحق به اختر عبدالرحمن و آی اس آی هدایت داده بود **«کابل باید مشتعل و تباہ می گردید» یا «کابل همیشه در آتش بسوزد»**. که تنظیم های «جهادی» این آرزوی او را بر آورده ساختند

جنرال حمید گل وقتی به کابل آمد، نه تنها ربانی و مسعود را تشویق به انحلال اردوی ملی نمود بلکه سلاح کوت یا ذخایر میلیارد ها دالری افغانستان (150 ساله) را محو نمودند. تمامی اسناد استخباراتی افغانستان و اسناد وزارت خارجه را بدست آوردند. و همچنان شاهد حسین سناتور پاکستانی به جواب خبر نگاری گفته بود:

«این خیر کاملاً حقیقت دارد. در زمان ضیاءالحق مسئولین نظامی ما این چنین می خواستند. آنها می گفتند ما مصرف و بودجه زیاد در ولایات صوبه مصرف می سازیم. زیرا **صوبه پنجم افغانستان است. حمید گل که در آن وقت رئیس I.S.I بود می گفت: دیورند سرحد ما نیست بلکه آمو دریا سرحد ما است.** در آن وقت پلان ما چنین بود که به رهبری گلبدین حکمتیار جمهوری اسلامی افغانستان را بسازیم و بعد آسیای میانه را هم فتح می کنیم.»⁹

در ذیل مشت نمونه خروار چند سطری از تنظیم ها را خدمت می نویسم:

⁷ - یادداشتهای استاد خلیل الله خلیلی - تهیه شده ماری خلیلی و افضل ناصری - ویرجینیا امریکا جولای 2010 ص

⁸ - همان مأخذ ص 379.

⁹ - ویدیو صحبت های سه فرد رحیم الله یوسف زی کار شناس امور افغانستان - خانم عندلیب عباس سکرتر امور خارجه در پارلمان آن کشور - و سومی وزیر خارجه سابق مشاهده حسین سید را با حامد منیر خبرنگار تلویزیون جیو نیوز مورخ 04 مارچ 2020 <https://sayhoon.com/post/9062/persian>

کینه و کدورت شخصی بنام شاه آقا مجددی در مورد امان الله خان و نهضت آن دوره کمتر از فضل عمر خان مجددی و محمد صادق خان مجددی و دیگران نیست ، او رساله با عنوان طویل و عریض در دفاع از حبیب الله کلکانی نوشته است که با نهایت نفرت و کینه به نظام امانیه می تازد. در جایی نوشت که:

«گر چند بعضی از وزرای مسلمان کابینه {؟؟؟} افغانستان که لادینی و دسایس کمونیست ها علیه مسلمین (مسلمین بخارا) را دانسته و فهمیده بودند از رفتن شاه به شوروی مانع شدند{؟؟؟} اما شاه نه پذیرفته و عازم اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی گردید.

شاه به مجرد رسیدن به مسکو مورد استقبال شخص (لنین) قرار گرفته و در شوروی از شاه افغانستان استقبال گرمی به عمل آمد.»¹⁰

این نویسنده باید جواب دهد که:

➤ یک - ادعای «گر چند بعضی از وزرای مسلمان کابینه» چه معنی میدهد؟ آیا همه کابینه مسلمان نبودند؟

از راست به چپ، اعلیحضرت امان الله خان -
ورشیلوف وزیر دفاع و کالینین با کلاه شپو و
چوب دست



➤ دوم - ولادیمیر ایلیچ اولیانوف لنین در
(۲۱ جنوری ۱۹۲۴) درگذشت. استالین قبل از
مرگ لنین در ۳ اپریل ۱۹۲۲ به صفت منشی
عمومی کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. منتصب
شد که تا ۵ مارچ ۱۹۵۳ ادامه داشت.

شاه امان الله و هنیث همراهان شان از (۳ تا
۱۶ می ۱۹۲۸) یعنی چهار سال و سه ماه بعد

از مرگ لنین به آن کشور سفر نمودند. استالین در جریان اقامت مهمانان افغان حتی ملاقات تعارفی هم با ایشان نداشت. شاه آقا خان صرف در جهت تحریک و احساساتی ساختن مردم دست به این نوشتار مطلق دروغ زده است، یا از تاریخ آگاهی نداشته.

➤ سوم - «میخائیل ایوانوویچ کالینین Mikhaïl Ivanovitch Kalinine» از رجال حکومت اتحاد شوروی است که در مارس ۱۹۱۹ به مقام ریاست شورای عالی دولتی {رئیس جمهوریت های شوروی} رسید و تا زمان باز نشستگی اش در پایان جنگ جهانی دوم در این سمت قرار داشت. ولادیمیر ایلیچ لنین و میخائیل ایوانوویچ کالینین دو فرد جداگانه می باشند. از اعلیحضرت امان الله خان در مسکو میخائیل کالینین و ورشیلوف وزیر دفاع و مقامات دولتی آنجا استقبال نمودند

شخص دیگری بنام دکتور شیر احمد نصری از کمیته فرهنگی حزب جمعیت اسلامی با نهایت کینه تیزی و خصمانه چنین نوشت:

¹⁰ - شاه آقا مجددی - اصل قصه از این قرار است. مختصر پیرامون زندگی نامه امیر حبیب الله کلکانی - حقایق افشا نشده و تحلیل واقعات همه جانبه زندگی امیر حبیب الله - طبع سال 1378 ش. موسسه انتشارات الا زهر دهلی نعلبندی پشاور

«تکیه زدن امیر امان الله بر اریکه قدرت، مصادف است با جنگ سوم افغان و انگلیس و اوج نا آرامی ها و بدبختی ها»¹¹

این سطور وی نهایت قابل دقت و تحلیل است، جنگ سوم افغانها با بریتانیا را رهبران سیاسی آن وقت جهان، مورخین داخلی و خارجی و همه افغانستان شناسان جنگ استقلال می شناسند. برویت اسناد بسیار زیاد تاریخی نظام امانیه حتی برای آزادی خواهان هندو و سیکه و مسلمان هندوستان سمبول حریت خواهی شمرده می شد و کشور های غرب رقیب بریتانیا شاه امان الله را «امپراطور شکن» میدانستند، اما برای شیر احمد نصری با کمال حق نا شناسی «اوج نا آرامی ها و بدبختی ها» محسوب می شود گویا دوران قبل و اسلاف امانیه و تسلط غیر مستقیم انگلیس اوج آرامی و خوشبختی بود؟؟؟

وی به دوره امانیه هم با همان عقیده سکتاریستی و منطقه پرستی و خصومت آشکار تنظیمی شان و با نفرت پراگنی بر علیه پشتون ها پرداخته است. (تمامی اعمال و نشرات شان در ایران و پاکستان و حتی اروپا و امریکا در چهل سال و خصوص دو دهه اخیر در داخل کشور شاهد مدعا ما است) نویسنده در ادامه همان صفحه نوشته بود که:

«امان الله خان اولین زمامدار یک کشور مسلمان بود که نماینده و مراسله به مسکو فرستاد و رژیم ملحد و ضد انسانی روس را برسمیت شناخت.» در حالی که این حرکت رسماً از خود ارادیت و استقلال کامل سیاسی کشور ما و همچنان حسن همجواری نظام نمایندگی می کرد

این نویسنده در رساله دیگری داشت که نوشته بود: «روسها صد ها سال قبل نیز مردمی، پست، کثیف، بی تهذیب، خرافه پرست و وحشی بوده اند.

ناموس و شرف در فطرت شان مفهومی نداشته و قساوت و بی رحمی جز آئین زندگی شان بوده است. جز باده گساری و گرایش به اوهام و اباطیل، از ارزش های انسانی و استعداد تعقل و تفکر بی بهره بوده اند.....

به حق باید گفت که این اتش افروزان گیتی و دشمنان بشریت و تمدن، در واقع لکه ننگی اند بر دامان انسانیت و افرینش و هستی که امید واریزی نابود گردند و بساط زمین و ساکنان رنجدیده آن از شر شان آسوده شوند.»¹²

شیر احمد نصری با نوشتن چنین جملات احساساتی به یک ملت بیش از صد میلیونی تعرض و توهین نموده در حالی که خودشان در عین جنگ آزادی خواهانه مردم ما علیه تجاوز روسها، پروتوکول ها و قرار داد های هفتگانه با آنها داشتند و غرض امنیت کاروان های اردوی شوروی از حیرتان، سالنگ تا کابل (شورای نظار) با قطعه 40 شوروی و مقامات کی جی بی، همکاری می نمود و دیگر مجاهدین را می کشند تا امنیت قطار های شوروی تامین شود.

نویسنده دیگر از این همین تنظیم از زبان شخص مجهول الهویه بنام جنرال محمد سمیع (که در تاریخ کشور ما از چنین شخصی نام گرفته نشده است) نوشت «امیر توسط چند احمق مثل محمود طرزی و عبدالقدوس احاطه شده اند و نه امیر طرفدار جنگ نبود»¹³

محمد محقق که شخصیت و وابسته گی او با استخبارات و رژیم اخوندی ایران و هم پاکستان برای همه آشکار است و در فرستادن هزاران هموطنان عزیز هزاره در لشکر فاطمیون (که توسط سپاه پاسداران انقلاب ایران اداره می شود)، در جنگ سوریه دست مستقیم داشت، رساله نوشته بود بنام (راههای وصول به صلح و امنیت و ثبات سیاسی در افغانستان) و در این رساله همه آنچه یک به یک در وجود و عمل خودش در چند دهه اخیر هموطنان ملاحظه نمودند (ضعف و زبونی، ذلت و درپوزگی و عدم آزادی فکر و عمل، مکر و تزویر، خدعه و نیرنگ) وی به جعل و دروغ به امان الله خان نسبت داده و نوشته بود:

¹¹ - ش. ن. حق شناس - دسایس و جنایات روس در افغانستان از امیر دوست محمد خان تا بیرک کمیته فرهنگی

جمعیت تهران 1363 - ص 38

¹² - دکتور شیر احمد نصری - تصویر روس در آئینه تاریخ - نومبر 1987 د افغانی محصلانو توله المان ص 17

¹³ - سید رسول ص 26

«او در آغاز به قدرت رسیدن سعی داشت که خود را یک پادشاه مستقل و آزاد و مخالف سیاست های پدر و پدر کلانش نشان داده و به عنوان قهرمان ملی و سیاسی در تاریخ کشور اسلامی افغانستان قلمداد کند، اما به مرور زمان ضعف و زبونی، ذلت و دريوزگی و عدم آزادی فکر و عمل وی بر ملا شده و چهره واقعی وی از پس پرده های مکر و تزویر، خدعه و نیرنگ، نمایان گشت. امیر امان الله خان علاوه بر دامن زدن به جنگهای مذهبی (؟؟؟) و درگیری های خونین داخلی که به هدایت مستقیم انگلیس ها برای تضعیف ملت مسلمان کشور (پربریت و دهشت و جنایات شما را برای تضعیف ملت مسلمان کشور کابلیان در دهه 70 شمسی هنوز از یاد نبرده است) و ضربه زدن به استقلال و حاکمیت ملی و اسلامی آنان این کار را انجام داد، (ضربه زدن به استقلال و حاکمیت ملی توسط شما را در 40 سال اخیر را فرد فرد مردم کشور بخاطر دارند) نوکری و مزدوری و نداشتن استقلال فکری و آزادی عمل وی را در طول مدت حکومت وی از تقلید کورکورانه و اقدامات ضد اسلامی اش از بیگانگان مبنی به تغییر سیستم حکومتی و سنتهای مردمی و اسلامی می توان ثابت کرد. (محقق به خود و هم دستانش بنگرد که تا چه حد نوکر و مزدور بودند و استقلال فکری و عمل نداشتند)»¹⁴

این آقای محقق در ادامه نوشت: «این امر در نوع خود بزرگترین ضربه به اسلام و عنعنات ملی و سنتهای اسلامی در کشور و مهمترین خوش خدمتی به استعمار گران محسوب شده که ریشه اصلی آن وابستگی (بخود بنگرید آقای محقق) این امیر جنایت کار (جنایت میخ کوبیدن بر سر مسلمین، رقص مرده، اره کردن، بریدن سینه زنان و دهها دیگر را شما انجام دادید) و دین فروش نشأت می گرفت.»

«برقراری روابط با دولت و دستگاه ضد انسانی کمونیستها به رهبری لنین و به رسمیت شناختن آن توسط دولت اسلامی و همچنین تقلید کورکورانه از تمدن و فرهنگ غربی»¹⁵

آقای محقق در صفحه ده مقدمه رساله خود دو نقل قول را با جمله «چه زیبا جمله ای است» چنین نوشته:

« "انقلاب، کاری است آسان، اما حفظ انقلاب کاری است دشوار". و یا به تعبیر دیگر، "انقلابی ماندن به مراتب دشوار تر از انقلابی شدن است".» ولی محقق نگفته که این (زیبا جمله) از کیست؟ اما مردم آگاه و صاحب مطالعه میدانند

بدین نحو ملاحظه نمودید که تنظیم های وابسته به استخبارات پاکستان به هدایت انگلیس و امریکا و سعودی و ایران چگونه به نهضت امانیه و شخص امان الله خان کینه و کدورت داشتند.

منابع :

- 1 - محمد ولی - توطئه انگلیس در سقوط دولت اعلحضرت امان الله غازی.
- 2 - سید رسول - نگاهی به عهد سلطنت امانی.
- 3 - استا اولسن - اسلام و سیاست در افغانستان.
- 4 - محمد ذرحیم شیون ضیائی - برگ های از تاریخ معاصر افغانستان.
- 5 - دکاتور عبدالرحمن زمانی - باز نگری دوره امانی و توطئه های انگلیس.
- 6 - سید حسن رشاد - خاطرات در فیس بوک.
- 7 - محی الدین انیس - بیجران و نجات.

¹⁴ محمد محقق دایکندی - راههای وصول به صلح و امنیت در افغانستان و تحرکات سیاسی جدید در کابل - ناشر انتشارات عرفان 1372 شمسی ص 59

- 8 - اکادميسين اعظم سيستاني - شاه امان الله اصلاحات و روحانيت متنفذ.
- 9 - جارج آرنی - افغانستان گذر گاه کشور گشايان.
- 10 دكتور عبدالرحمن زماني - سپه سالار نادر خان بهترين كانديد انگليس براي تاج و تخت.
- 11 - هنري برادشر - افغانستان تجاوز شوروی و مقاومت مجاهدين.
- 12 - غلام محمد غبار - افغانستان در مسير تاريخ.
- 13 - دياگو كوردويز و سليك هريسن - حقايق پشت پرده تهاجم شوروی .
- 14 - يادداشتهاي استاد خليل الله خليلي.
- 15 - شاه آقا مجددی - مختصر پيرامون زندگي نامه امير حبيب الله کلکاني
- 16 - شير احمد نصری - دسايس و جنايات روس در افغانستان از امير دوست محمد خان تا ببرک.
- 17 - شير احمد نصری - تصوير روس در آئينه تاريخ.
- 18 - محمد محقق دايکندي - راههاي وصول به صلح و امنيت در افغانستان و تحركات سياسي جديد در کابل